

روابط فرهنگی و تاریخی بین ایران و رومانی

بقلم: آقای پرفسور دکتر ولاد باگا چوآنو

دراوائل قرن حاضر برخی از خاور شناسان رومانی باشعار زیبای فارسی وبآن قسمت از مسائل کشور ایران که باتاریخ رومانی مرتبط بوده وبوسیله مورخین ایرانی نقل گردیده علاقه وتوجه خاصی از خود نشان دادند. ترجمه اشعار فارسی قرون وسطی بوسیله شعراء و دانشمندانی مانند «گک. پوپسکو کیو کانل» و «آل. ت. استا مائید» و «د. استوئیسکو» وانتشار مقالات تاریخی «ازل دسه» و «تیتوس هوتنگک» نمونه بارزی از این ابراز علاقه بشمار میرود.

درسال ۱۹۲۲ «گک. پوپسکو کیو کانل» متن کامل گلستان سعدی را انتشار داد، و «آل. ت. استا مائید» رباعیات حکیم عمر خیام را چندین بار منتشر نمود. «د. استوئیسکو» نیز ترجمه منظوم رباعیات عمر خیام را در دوره اول ودوم مجله وقایع دوبروجوا بچاپ رسانید وبالاخره رباعیات خیام برای سومین بار درسال ۱۹۴۵ بچاپ رسید. درباره آن قسمت از مسائل تاریخی ایران که بوسیله وقایع نگاران ایرانی نقل گردیده و مرتبط باتاریخ کشور رومانی میباشد، باید مخصوصاً از مطالعات وتحقیقاتی که بوسیله «تیتوس هوتنگک» و «ازل دسه» بعمل آمده گفتگو نماییم. درسال ۱۹۱۹ هوتنگک ترجمه یکی از آثار رشیدالدین فضل الله مورخ ایرانی را انتشار داد و نیز در سال ۱۹۳۶ مقاله ای تحت عنوان «صفحه ای از گردیزی جغرافی دان ایرانی» بقلم ازل دسه منتشر گردید که حاوی نظریات مؤلف ایرانی در باره منطقه والاکی می باشد.

کتاب ورسالاتی که درباره کشور ایران منتشر گردیده بیشتر متعلق بقرن ۱۹ وشاید اکثر مربوط به نیمه دوم قرن مزبور میباشد.

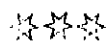
این قسمت را نیز باید خاطر نشان کرد که در حدود ۲۰۰ جلد کتاب خطی متعلق

بخاور زمین از یکی از دانشمندان قرن ۱۹ رومانی بنام «تیموته کیپاریو» بیادگار مانده که در بین آنها چندین جلد از کتب پر ارزش زبان فارسی وجود داشته که اکنون جزو ذخایر کتابخانه شعبه فرهنگستان رومانی در شهر کلوز میباشند. در بین کتابهای مزبور دو جلد شاهنامه فردوسی تقریباً در هزار صفحه دیده میشود که بی نهایت نفیس است و ابیات شاعر طوسی در میان مینیاتورهای زیبایی نگاشته شده است. در همین کتابخانه گلستان و بوستان سعدی و یک جلد دیوان غزلیات استاد سخن سعدی موجود است. در مجموعه کیپاریو همچنین یک جلد دیوان حافظ و یک نسخه خطی از منظومه معروف یوسف و زلیخا اثر آخرین شاعر کلاسیک ایرانی جامی و یک نسخه خطی بنام بهار دانش که نمونه‌ای از ترجمه کتاب هندی کلیله و دمنه بوده و بوسیله «عنایت‌الله خانپو» (۱) نوشته شده یافته میشود.

یکی از کارمندان بخش مطالعات خاورشناسی بنام دکتر گورگیان از طرف فرهنگستان جمهوری ملی رومانی مأموریت یافته است که در شهر کلوز درباره کتابهای خطی فارسی و مخصوصاً شاهنامه فردوسی مطالعه و تحقیق نماید.

فعالیت جدیدی نیز در زمینه ایرانشناسی بوسیله «بخش مطالعات خاورشناسی بخارست» آغاز گردیده و کتابی از طرف «انجمن علم تاریخ و ادبیات ملل» تحت عنوان «استودیو اکتا اریان‌تالیا» انتشار یافته است. فعالیتی که درباره ایرانشناسی آغاز گردیده مخصوصاً متوجه زبان و تاریخ ایران باستان و ایران نوین میباشد.

یک قسمت از کتاب «استودیو اکتا اریان‌تالیا» حاوی بررسیهایی است که نویسنده این مقاله در باره کتیبه‌های بیستون بعمل آورده است. یکی دیگر از اقدامات مهم «انجمن علوم تاریخ و ادبیات ملل» تهیه دستور زبان فارسی و تنظیم فرهنگ فارسی برومانی است. از طرف دیگر ادبیات فارسی نیز مورد توجه خاصی واقع گردیده و در نظر است آثار کامل سعدی، حافظ، فردوسی و سایر شعرای ایران تا سال ۱۹۵۹ بتدریج چاپ و منتشر گردد و همچنین قرار است دو جلد شاهنامه خطی فردوسی که در شعبه فرهنگستان جمهوری ملی رومانی در «کلوز» وجود دارد بطبع برسد.



در اینجا مناسب می‌بینم جنبه دیگری از همکاری نزدیک بین ایران و ملداوی را در قرن ۱۵ بنظر خوانندگان عزیز برسانم. این همکاری مربوط به زمانی است که اوزون حسن سومین پادشاه ترکمن سلسله آق قویونلو بر کشور ایران حکومت میکرد و با سلطان محمد دوم فاتح قسطنطنیه می‌جنگید. مقارن همین زمان در ملداوی نیز «اتین کبیر» برای از بین بردن قدرت سلطان محمد فاتح کمر همت بسته بود بنابراین لشکر کشی‌های پادشاه ایران و «اتین کبیر» بر اساس توافق دو سلطان استوار بود. در قرن ۱۵ سه مرد بزرگ از سه کشور مختلف جهان برخاستند که نام آنها برای همیشه در تاریخ ثبت خواهد بود: یکی از این سه نفر یعنی سلطان محمد دوم توانست جریان وسیر تاریخ قسمتی از جهان را تغییر دهد. دو شخصیت دیگر این قرن یعنی اوزون حسن و اتین کبیر شاهزاده ملداوی ملقب به «مدافع مسیحیت»، مساعی خود را برای جلوگیری از اجرای نقشه‌های جاه طلبانه سلطان محمد دوم بکار بردند. تاریخ نویسان مغرب زمین دوران سلطنت و حکومت اوزون حسن را با اختصار یاد کرده و عموماً از رابطه و بستگی نزدیکی که بین این پادشاه و «اتین کبیر» در جنگ‌های علیه محمد دوم وجود داشته غافل بوده‌اند.

حتی تاریخ مشهور «ژ. و. هامر» بنام تاریخ امپراطوری عثمانی (۱۸۳۵-۱۸۲۷) چنانکه شاید و باید بجزئیات حوادث این قرن نپرداخته، و تاریخ «نیکلای ایورکا» (۱۹۱۳-۱۹۰۸) نیز باین قسمت از تاریخ قرن مزبور توجه کافی نکرده است.

چنین بنظر میرسد که در بین مورخین نیمه دوم قرن ۱۵ فقط «کئوزک پیرانتس» توانسته باشد تحت عنوان «اوزون حسن» خصوصیات تاریخی زمان وی را تشریح کند. مورخین یونانی نیز کم و بیش درباره این پادشاه گفتگو کرده‌اند ولی وقایع نگاران ایتالیائی و آلمانی و لهستانی در این زمینه روایات عجیب و غریبی نقل کرده‌اند که شایسته مقام اوزون حسن نبوده است. مثلاً «یونفونیوس» مورخ مجارستانی او را «حسین باسا» و «ژ. دلوگوز» مورخ لهستانی او را «هوسک کاسن» و دیگر مورخین او را «زوشازان» (۲) مینامند.

قدر مسلم این است همانگونه که اتین کبیر از توسعه و بسط امپراطوری عثمانی در مغرب زمین جلو گیری کرد اوزون حسن نیز سد بزرگی در راه پیشرفت مقاصد جاه طلبانه امپراطوری عثمانی در خاور زمین بود. این مجاهدت مشترک دو پادشاه را بر آن داشت که باهم متفق و متحد گردند. علت اینکه نقشه های آنان به نتیجه مورد انتظار منتهی نشد، این بود که جمهوری و نیز و دربار واتیکان در اعطای کمکهای لازم بآنان خود را فوق العاده محتاط و ممسک نشان دادند.

پس از کناره گیری مراد دوم از سلطنت، محمد دوم که جوان جاه طلبی بود، و مدتها سودای جهانگشائی اسکندر کبیر و سزار روم را در سر میپرورانید، به تخت نشست. (۳) هدف اصلی محمد دوم تأسیس امپراطوری وسیعی بود که بالطبع میبایستی مانند رومیان منتهی بر تسلط بر دنیای آن زمان یعنی اروپا و آسیا و آفریقا گردد.

اولین قدم در راه نیل باین هدف فتح قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ بود. متعاقب فتح قسطنطنیه تسلط بر مصر و شبه جزیره بالکان و بعد تصرف مستملکات و نیز در دریای اژه و استیلاء بر مستعمرات زرخیز جمهوری ژن در آسیای باختری و بالاخره تسلط بر آسیای دور و ایران باستان و رسیدن بمرزهای هندوستان با امید و آرزوی دیرینه سلطان محمد فاتح جامعه عمل پوشانید.

در باختر «اتین کبیر» و در خاور «اوزون حسن» پادشاه تر کمن در راه فتح و پیروزی سلطان محمد که عامل اصلی برچیدن بساط امپراطوری «بیزانس» و «کمنس طرابوزان» بود، قد علم کردند.

اوزون حسن پس از اینکه جهانشاه فرمانروای سلسله «قره قویونلو» را در سالهای (۱۴۶۶-۱۴۶۷) شکست داد عملاً فرمانروای مطلق ایران شد. اوزون حسن از طرف مادر بزرگ خود مادر یار مادرش (۴) سارا با کمنس های طرابوزان همخون بود. زیرا بنابر روایت «هامر» مادر اوزون حسن از خانواده کمنس و همسر او از خانواده «کالوایوانس» امپراطور پیشین طرابوزان بوده و «کاترین» نامیده میشد ولی اروپائیان و برا «دسیمین» مینامیدند. کاترین تا پایان عمر خویش بآئین مسیحی وفادار ماند و این مسئله بخوبی نشان میدهد که اوزون حسن تا چه حد عقاید مذهبی دیگران را محترم میشمرد (۵).

اوزون حسن از طایفه تر کمن « آق قویونلو » (گوسفند سفید بود). این سلسله در سال ۱۴۰۶ تشکیل شد و اوزون حسن سومین پادشاه این سلسله می‌باشد. تر کمن های طایفه آق قویونلو فتوحات خویش را از مولد اصلی خود دیاربکر آغاز نموده و رفته رفته در تحت فرمانروائی اوزون حسن بر سر تاسر ایران و ارمنستان و بین‌النهرین و حتی تاهریزهای هندوستان تسلط یافتند.

اوزون حسن در دوره سلطنت خود با افراد طایفه قره قویونلو بجنک پرداخته و قلمرو حکومت خود را توسعه داد. علت اصلی جنگهای بین طایفه آق قویونلو و قره قویونلو را نباید فقط در اختلافات مذهبی بین آنها دانست، بلکه مخالفت اوزون حسن در راه بسط نفوذ سلطان محمد دوم در خاور زمین یکی از دلایل مؤثر این خصومت بشمار میرود. (توضیح اینکه طایفه آق قویونلو اهل تسنن و طایفه قره قویونلو اهل تشیع بوده اند) نبرد های بین اوزون حسن و سلطان محمد دوم موقعی کاملاً بصورت علنی درآمد که اسحق بیگ یکی از پسران ابراهیم دو کونیا مورد تعرض و تهدید سلطان قرار گرفته بود.

اسحق بیگ از اوزون حسن یاری طلبید و بدر باروی پناهنده گردید. اوزون حسن که از توسعه نفوذ و بسط تسلط سلطان محمد دوم بیمناک و هراسناک بود از جمهوری و نیز کمک خواست. زیرا خود جمهوری و نیز هم از تهدید و تجاوز سلطان در امان نبود سلطان محمد پس از جنگهای «موره» و «بوسنی» لازم دید قلمرو خاک «کاراهان» را نیز تصرف و اشغال نماید. زیرا اسحق بیگ حکمران آن با دشمنان سلطان ساخته و قراردادهای کمک متقابل با اوزون حسن و با جمهوری و نیز (۶) منعقد کرده بود. از طرف دیگر سلطان محمد دشمن سرسختی در راه سیاست استعماری و نیز تسلط آن بر جزایر مدیترانه شرقی محسوب میشد. زیرا و نیز جزایر مهمی از قبیل «امبروس» و «لئونوس» و بنادری چون «اینوس» و «فوکتیا» (۷) را در تصرف داشت. سلطان محمد دوم از همان آغاز مخالفت با و نیز جزیره «اوبتیا» را که یکی از پایگاه های مهم این کشور در مشرق بود تصرف کرد.

خطری که ونیزرا تهدید میکرد باعث شد که جمهوری مزبور بدشمنان سلطان محمد دوم گرائیده و از آن جمله بااوزون حسن متحد گردد. سلطان همچنان به فتوحات خود ادامه داد و در سال ۱۴۶۱ «کمنس ها» یعنی اقوام سببی اوزون حسن را منقرض کرد و امپراطوری طرابوزان را برانداخت.

در سال ۱۴۶۶ کارامان را متصرف شد و بر سلطنت یکصد و شصت ساله سلسله قدیمی قهرمان اوغلی (۸) خاتمه داد. وقتی اوزون حسن خود را مواجه با فتوحات پی در پی سلطان محمد دید، فهمید که با رقیب خطرناکی سروکار دارد و دیر یا زود زمان تسلط بر قدرتهای ملوک الطوائفی آسیای صغیر فرا رسیده و سلطان محمد او را نیز از بین خواهد برد. بدین جهت در سال ۱۴۶۰ پیغامی به قسطنطنیه فرستاد و خواست با سلطان محمد دوم توافق نماید ولی نقشه او در جلب دوستی سلطان بجائی منتهی نشد و از آن پس علناً در صف دشمنان امپراطور عثمانی درآمد.

اوزون حسن دقیقه‌ای شاهزادگان متفق عثمانی را آرام نگذاشت و با جهانشاه فرمانروای سرزمین ایران که مورد حمایت محمد شاه بود بجنگ پرداخت. در سال ۱۴۶۷ اوزون حسن بر جهانشاه غلبه یافت و جهانشاه در موقع فرار بقتل رسید. (۱۰)

اوزون حسن نامدای به محمد دوم فرستاد و ضمن آن غلبه خود را بر جهانشاه و مرک آن پادشاه را اطلاع داد. این نامه سلطان محمد را سخت بر آشفت زیرا اوزون حسن او را «سلطان» خطاب نکرده و فقط بذکر عنوان محمد بیک اکتفا کرده بود. (۱۱)

در مجموعه نامه های سلاطین که بوسیله «فریدون» جمع آوری گردیده است نامه شماره ۲۲۶ فوق العاده جالب توجه میباشد. این نامه از طرف محمد دوم به پسرش مراد که در سال ۱۹۴۲ فرمانده نیروهای اعزامی برای جنگ با اوزون حسن بود نوشته شده و تنفر و انزجار سلطان را نسبت به اوزون حسن بخوبی نشان میدهد.

غلبه اوزون حسن بر لشکریان سلطان محمد فاتح بقدری درخشان و پراسر و صدا بود که همه او را یگانه مردی دانستند که قادر است جلوتفوذ و قدرت سلطان را در خاور و باختر بگیرد. بدین ترتیب وی یگانه امید کسانی بشمار میرفت که از فتوحات سلطان بیمناک و هراسان بودند و در این بین مسیحیان و جمهوری ونیز در صف مقدم

قرار گرفته بودند. ایجاد یک اتحاد و اتفاق پایدار نیز بنفع اوزون حسن بود و مخصوصاً روش او درباره رعایت عقیده و آئین مذهبی دیگران که سابقاً تشریح گردید او را در انعقاد پیمان اتحاد با مسیحیان راغب تر میکرد.

بدین سبب این پادشاه نیرومند و این سیاستمدار بزرگ، دوستان و متفقین خود را از بین کسانی انتخاب نمود که بیش از همه مورد تعقیب و تهاجم محمد دوم بودند. جمهوری و نیز سفیری بنام «کاترینوزنو» بدربار اوزون حسن فرستاد که برادرزاده زن اوزون حسن یعنی «کاترین» بود. ایلچی و نیز پیام های مساعد و رضایت بخشی برای دولت متبوع خود فرستاد. سفرائی نیز از طرف پادشاه ناپل و دربار پاپ بدربار اوزون حسن فرستاده شدند. اوزون حسن از همان آغاز جنگ از ایلچی و نیز تقاضا کرد که برای تقویت نیروهای جنگی ایران با توپ تحویل گردد. جمهوری و نیز در جواب این تقاضا چهار کشتی جنگی قدیمی مجهز بتوپ با ۲۰۰ نفر توپچی برای او فرستاد (۱۲).

پیشنهادهایی که سلطان محمد فاتح به جمهوری و نیز تسلیم کرد، از نظر کشور و نیز قابل قبول تلقی نشد و این امر باعث گردید که جنگهای بین دو قدرت همچنان ادامه یابد.

من برای خواننده عزیز دو دشمن قهار و سرسخت معرفی کردم که هر دو مانع و رادع بزرگی در راه توسعه و بسط نفوذ و قدرت سلطان محمد فاتح بودند. یکی از آنها بزرگترین رؤسای تر کمن بوده و کشور ایران یکی از درخشانترین صفحات تاریخ خود را در آغاز قرن شانزدهم مدیون اوست و دشمن دیگر نیز جمهوری و نیز میباشد.

اوزون حسن پس از جلب دوستی امپراطوری «بیزانتین طرابوزان» و وصلت با آن از دوستی و اتحاد کشور گرجستان هم اطمینان یافت زیرا این کشور بستگی نزدیکی با طرابوزان داشت. بدین ترتیب در اندک مدتی اوزون حسن اعتماد و اطمینان جمهوری و نیز را هم جلب کرد.

همانطوریکه «و. میللر» (۱۳) در کتاب خود اشاره کرده مورخین ترك قرن و حتی خود سلطان محمد دوم این بستگی و اشتراك منافع سیاسی بین المللی وقت را مورد توجه و دقت قرار نداده و از عواقب وصلت اوزون حسن با امپراطوری بیزانتن اندیشه‌های بخود راه نداده‌اند و حال آنکه این امر بمنزله اتحاد و اتفافی بود که تقریباً جنبه يك نوع جهاد را داشت.

ژن هانیز کم کم باین اتحاد پیوستند زیرا قلاع و شهرهای تجارنی و مخصوصاً انحصار بازرگانی آنها با سواحل دریای سیاه از طرف سلطان محمد مورد تهدید و تجاوز قرار گرفته بود. پس از و نیز دومین متحد اوزون حسن «اتین کبیر» شاهزاده و فرمانروای ملداوی ملقب به «مدافع مسیحیت شرق» و «مدافع آزادی در برابر ترکها» بود. بدین ترتیب بزرگترین فرمانروای رومانی با اوزون حسن شخصیت برجسته قرن ۱۵ طرح دوستی و اتحاد ریخت. در تاریخ ایران صفحات متعددی درباره اوزون حسن فرزند دلیر ایران نوشته شده ولی کمترین اشاره‌ای به اتین کبیر فرمانروای ملداوی نشده است.

در سال ۱۴۷۰ ملداوی و کشورهای مجاور آن مثل لهستان و مجارستان وضع منقلب و آشفته‌ای داشتند. در مجارستان «ماتیه کثرون» با «ولادیسلاو» پادشاه لهستان مشغول جنگ بود و این نبرد بطوری شدت داشت که پاپ «سیکست ۴» برای متارکه جنگ ناگزیر از دخالت شد، زیرا لهستان و مجارستان میبایستی خود را متفقاً برای جنگ علیه ترکهای عثمانی آماده نمایند. اتین کبیر نیز اختلافات و منازعاتی با مجارستان داشت و زخم مهلک ناحیه‌ران او از یاد گارهای نبرد سال ۱۴۶۲ در «کیلیا» بود. زیرا این ناحیه را مجارها اشغال و تصرف کرده بودند (۱۴). یکی از دشمنان ملداوی «راد و بالو» شاهزاده حاکم والاکی بود که جدیداً بد کمک و با حمایت سلطان محمد دوم بتخت نشسته بود. بنابراین «رادوی زیبا» که بقول «شارل کو کوندیلا» با جمال زیبای خود طرف توجه مخصوص سلطان محمد دوم قرار گرفته بود، از سال ۱۴۷۰ پس از آن با ترکها متحد و دوست شده و بصورت یکی از دشمنان مهم اتین کبیر

در آمده بود «رادوی زیبا» بعدها در سال ۱۴۷۳ در جنگ مهم سلطان محمد علیه اوزون حسن دخالت کرده و ۱۲۰۰۰ مرد جنگی در اختیار وی گذاشت تا در نبرد کارامان شرکت نمایند.

نکته جالب دیگر این است که «مانگلی قیرائی» خان کریمه که یکی از نواده های چنگیز خان بوده و خود را امپراطور میدانست و ژنرها او را «شاه ما امپراطور تاتار» مینامیدند، از اطاعت امر سلطان محمد سرپیچیده و سفرائی برای برقرار کردن صلح به لهستان فرستاد. در سال ۱۴۶۹-۱۴۷۰ نیز ایلچیان اتین کبیر را پذیرفت (۱۵).

اوزون حسن نیز در سال ۱۴۷۲ یکی از پزشکان خود را بنام اسحق بیگ بدربار شاهزاده ملداوی فرستاد. ولی اسحق بیگ مأموریت مهم دیگری را نیز بعهده داشت و شاید هم حذاقت او در طبابت بهانه ودست آویزی برای مأموریت او بود. در واقع اسحق بیگ سفیر اوزون حسن در دربار شاهزاده ملداوی بوده و هدف اصلی او ایجاد اساس يك اقدام مشترك علیه سلطان محمد دوم بود که در آن میبایستی «کازمیر» لهستان و «ماته کرون» مجارستان نیز شرکت نمایند. شاهزاده مسیحی قرار بود حملات خود را علیه سلطان از اروپا آغاز نماید و اوزون حسن نیز از آسیا محمد دوم را مورد حمله قرار دهد (۱۶).

اسحق بیگ سفیر شاه ایران در این راه مشکلات فراوانی در پیش داشت. ایجاد توافق و وحدت بین سه پادشاه اروپائی یعنی اتین کبیر، کازمیر و ماته کرون کار آسانی نبود. زیرا دو پادشاه اخیر الذکر ادعای حکومت بر لهستان و بوهیم و غیره را داشته و امپریالیسم محمد دوم را که هر سال خاک کشوری را طعمه خود قرار میداد و حتی خاک و سرزمین آنها را نیز تهدید میکرد با نظر اهمیت تلقی نمی کردند.

محمد دوم پس از آنکه نبردهای خود را در استحکامات «اسکوتاری» و «آلبانی» پایان رسانید قوای نظامی خویش را در مارس ۱۴۷۳ با آسیا برگردانیده و آماده مقابله با اوزون حسن گردید و ارتشی که «دانوب» در اختیار سلطان قرار داده بود نیز در این جنگ شرکت کرد.

جنگ بین سلطان محمد و اوزون حسن در ناحیه ارزنگیان در ماه ژوئیه ۱۴۷۳ اتفاق افتاد (۱۹) و قوای اوزون حسن که در طرف چپ رودخانه فرات قرار داشتند بوسیله نیروی نظامی محمد دوم محاصره گردیده و شکست خوردند. مع هذا در جنگ تلفات سختی نیز برتر کها وارد آمد و این موضوع خصوصاً روحیه اوزون حسن را قوی نگاهداشت. اوزون حسن فوراً چند قاصد بنزد شاهزادگان مسیحی و متفقین خود فرستاد تا بآنها بگویند که «وی هنوز سرپای خود ایستاده است». قاصدی که بنزد اتین کبیر فرستاده بود اسحق بیگ بود. فرستاده پادشاه ایران به اتین کبیر اطمینان داد که این بار دیگر محمد دوم در جنگ مغلوب خواهد شد (۲۰). «هامر» جزئیات جنگ بین اوزون حسن و سلطان محمد فاتح را بخوبی تشریح کرده است. (۲۱)

تر کها مجدداً شهر هائی را که «مسنی گو» بوسیله نیروی دریائی و نیز تصرف کرده بود اشغال نمودند. پس از شکست نظامی اوزون حسن سلطان محمد خود را برای نبرد با اتین کبیر آماده ساخت. شکست شاه ایران برای تر کها پیروزی قطعی نبود و تر کها در واقع فقط بامرک اوزون حسن که در سال ۱۴۷۸ اتفاق افتاد از دست او راحت و آسوده شدند.

بطوریکه مشاهده کردیم از سال ۱۴۷۰ اقدامات دیپلماتی و سیعی صورت گرفت. نظریات اینکه ضربات محمد دوم بکشورهای مسیحی مرتباً تکرار میشد، شهر هائی که در سواحل دریای سیاه قرار داشتند در اضطراب و نا ارامتی بسر میبردند. در سال ۱۴۷۱ اتین کبیر سفرائی به «کافا» فرستاد زیرا پیش بینی میشد که تر کها در نظر دارند باین منطقه تجارتی حمله نمایند. این منطقه نه فقط برای ژنها بلکه برای ملداوی نیز حیاتی بود زیرا اگر قلاع و استحکامات بتصرف قوای ترک در میآمد، دریای سیاه بصورت یک دریای داخلی تر کها در آمده و بروی کشورهای مسیحی بسته میشد. بدین علت ژنها فوراً شهرها و قصبات مجاور «کافا» را تقویت نمودند.

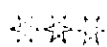
در کافا عدد زیادی از بازرگانان ملداوی که تعداد آنها به ۱۶۰ نفر بالغ میگردد بودند و کلیه آنها در سال ۱۴۷۵ موقعی که تر کها این شهر را بتصرف خود در آوردند

جان خود را فدا کردند .

اتین کبیر نتوانست بهیچکس متوسل گردد و مجبور شد در رأس این جهاد بزرگ علیه ترکها قرار گیرد . این جهاد در واقع جنبه تدافعی داشت ولی زمانی نیز حالت حمله بخود میگرفت . اتین کبیر در رأس این جهاد یگانه فرمانروایی بود که شخصیت خود را همچنین از لحاظ یک شاهزاده ارتدکس که تابع کلیسای «ارتدکس» بیزانس «باشد» به بهترین وجهی نشان داد . ماته کرون شاه مجارستان که روابط نزدیک تری با پاپ و ونیز و ژن داشت بکارهای دیگری مشغول بود (۲۲) .

اوزون حسن دشمن سرسخت ترکها حتی پس از شکست سال ۱۴۷۳ بیکار نشست و از مبارزه دست برداشت .

بطوریکه میگویند در سال ۱۴۷۴ جمهوری ونیز سفیری بنام «پولوا گئین» که اصلاً اهل آلبانی بود بنزد اوزون حسن فرستاد (۲۳) . سفیر ونیز در موقع عزیمت بکشور خود در «سوسوآوا» توقف کرده و اتین کبیر او را مطمئن ساخت که مبارزه و جنگ را تادم واپسین در راه مسیحیت ادامه خواهد داد و نامه‌ای نیز بوسیله او برای پاپ رم فرستاد (۲۴) . در فوریه سال ۱۴۷۵ اوزون حسن سفیر دیگری روانه ونیز کرد (۲۵) و این مسئله مدلل میدارد که مبارزه بر علیه محمد دوم چه در آسیا و چه در اروپا همچنان ادامه داشت . اوزون حسن نیز مانند اتین کبیر از مبارزه و نبرد خسته نشد و جنگ‌هایی که محمد دوم باشاه ایران کرد، بادو جنگ مشهور ۱۴۷۵ و ۱۴۷۶ با آخرین درجه شدت خود رسید و در هر دو جنگ رابطه نزدیکی که بین این دو مبارزه بزرگ برقرار بود کاملاً مشخص میباشد . این جنگها نشان میدهد که این دو چهره درخشان تاریخی و این دو مبارز سرسخت بیاری و نیز اتحاد و اتفاق نظامی خود را همچنان محفوظ نگاهداشت .



تصور میکنم اگر در این جا قسمتی از نامه اوزون حسن را که در سال ۱۴۷۴ به اتین کبیر نوشته شده درج نمائیم جالب و مستحسن خواهد بود : این نامه پس از

شکست اوزون حسن نگاه داشته شد و این پادشاه حتی پس از شکست حاضر نشد تن باطاعت سلطنت دهد. این نامه و نامه‌ای که خطاب به مانه کرون ارسال گردیده تنها مدارکی هستند که حفظ گردیده و در دسترس میباشند. اصل نامه‌های مذکور امروزه در کتابخانه «مارسین» شهر ونیز موجود است و ما قسمتی از متن لاتین آنرا که بنظر ما مهمتر بوده و بوسیله «کوراتوالی» ارمنی از فارسی بلاتین ترجمه شده درج مینمائیم. مقدمه ترجمه با معرفی «کنستانتینوس دوسر» محضر دار که مترجم لاتین این نامه بوده آغاز میشود.

شهر کافا (۲۶) سال ۱۴۷۴.

ترجمه نامه و الاحضرت شاهزاده اوزون حسن که بزبان فارسی نوشته شده و بشاهزاده مقتدر «استفان وئیود» ارسال گردیده و بر حسب تقاضای اسحق بیک سفیر و الاحضرت شاهزاده اوزون حسن بوسیله اینجانب «کنستانتینوس دوسر» دکتر در ادبیات و محضر دار عمومی این ناحیه کلمه بکلمه بدون کوچکترین اضافه و تغییری ترجمه شده و بهیچوجه معنی و مفهوم آن تغییر داده نشده است. منتهای مراتب زبان فارسی دارای اصطلاحاتی است که ترجمه آن بلاتین غیر ممکن می باشد و من سعی کرده ام نزدیکترین لغات و عبارات را برای ترجمه این اصطلاحات بکار برم. مضمون نامه‌ای که بوسیله «کوراتوالی» ارمنی فارسی دان و من لاتین شناس ترجمه شده بقرار زیر میباشد:

بنام خداوند بخشنده مهربان که او را بنامهای مختلف مورد مدح و ثنا قرار میدهند. حسن فرزند علی «فرزند عثمان» از صمیم قلب بهترین ادعیه و ثناهای خود را به خداوند گار پرفتوت شاهزاده بزرگ حاکم دیار استفان وئیود فرمانروای سرتاسر ملداوی میفرستد. بدانید که من اسحق بیک را از جانب خود بسوی فرمانروایان بزرگ فرنگیان فرستادم و اسحق بیک مذکور بر تمام اسرار من واقف و آگاه میباشد لذا از شما تمشی دارم بآنچه اواز طرف من بشما بگوید اطمینان و اعتماد کرده و او را مانند خود من تصور و تلقی فرمائید.

قبل از همه من قاطبه جنگجویان و سلاحدارانم را جمع کرده و بطرف ملک

عثمان هدایت خواهم کرد . بدین سبب لازم است که شما دلائل این اقدام را باطلاع شاهزادگان بزرگ مسیحی رسانده و آنان را از نیت ما که در فوق ذکر شد، آگاه فرمائید و ضمناً تشویق نمائید که بدور هم گرد آمده و آماده باشند تا قوای خود را جمع کرده و متحد گردانند و بمثابه دوستان متحد و یکدل ما از سمت اروپا علیه عثمان برافتنند بدین نسق ما خواهیم توانست این مرد را از تخت شاهی پائین آوریم .

امیدوارم نقشه های ما بوفوق مراد و آرزوی ما با اراده و قوت آن حضرت جامه عمل بخود پوشد . خدای بزرگ را شکر می گزارم که ما را در این مشکل یاری فرماید تا بدیها و زشتیها از بین برداشته شود . (۲۷) «.....»

در اینجا همچنین نامه اتین کبیر را که به «پاپ سیکست» در تاریخ ۱۴۷۴ نوشته شده درج مینمائیم. در این نامه اتین کبیر به پاپ اطلاع میدهد که اوزون حسن سفرائی بنزد وی فرستاده است . در این نامه از «سفر» نامبرده شده در صورتیکه تا آنجائیکه ما اطلاع داریم سفرای مزبور بیش از یک نفر یعنی اسحق بیک نبوده است . اتین کبیر در نامه خود نام سفیر و نیز «پولوا گنیبن» یا «پولوس امنی بونوس» را که در موقع مراجعت از نزد اوزون حسن و عزیمت به ونیز در مقراتین کبیر توقف کرده و درباره مقاومت در برابر محمد دوم مذاکره و گفتگو کرده ذکر میکند .

ترجمه این نامه که از روی کلمکسیون «موزوزاکی» بعمل آمده ذیلا درج می گردد :

« پدر مقدس و مولای محبوب ما .

« باستحضار آن وجود مقدس میرساند که حضرت شاهزاده حسن بیک قاصدهائی بنزد ما فرستاده و از ما و سایر شاهزادگان مسیحی تقاضا نموده که با تهور و شجاعت به نبرد عثمان و نیروهای وحشتناک او بروند ، بدین جهت خاطر آن وجود مقدس را مستحضر میدارد که ما مصمم هستیم با جان و دل کلیه قوای خود را که با تأییدات خداوند متعال در اختیار ماست در خدمت به مسیحیت وقف نموده و برای نجات و رستگاری آن صرف نمائیم .

علاوه بر این فرستاده جمهوری و نیز بنزد والاحضرت حسن بیك در موقع مراجعت در مقر ما توقف نموده و مذاکراتی با وی درباره مسائل مربوط به مسیحیت بعمل آورده و او را از تصمیم و اراده خود آگاه نمودیم. بنابراین از حضور مقدس عالی تمنا داریم باین فرستاده اعتماد فرمائید و چنین انگارید که مامستقیماً با هم گفتگو مینمائیم. بطوریکه استنباط میکنم همه چیز بستگی بآن وجود مقدس دارد. لذا از آن وجود ذیجود تمنی داریم اقدامی فرمائید که پادشاهان و شاهزادگان مقتدر بامایاری نمایند تا مسیحیت در مقابل مشتی نامؤمنان نابکار با عدم موفقیت مواجه نشود و ما بتوانیم به کمک این شاهزادگان بمبارزه و نبرد برخیزیم و در این راه بیکه و تنها نمائیم. تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۴۷۴ - در شهر ما «وازلوی».

وفاداران وجود مقدس - اتین و نیود شاهزاده ملداوی

در کتابخانه مارسین شهر و نیز در بین اندکسها یادداشتهایی وجود دارد که نمونه‌ای از سایر اقدامات دیپلماتی میباشد. مثلاً با مراجعه به اندکس دفتر شماره ۲ مربوط بسال ۱۴۷۵ معلوم میشود که سنای و نیز به «پولوس امنی بونوس» مأموریت داده است که مذاکرات خود را با اتین کبیر شفاهاً بعرض پاپ برساند. بک یادداشت دیگر حاکی است که «زراردو» منشی سنای و نیز مأموریت یافته بانین کبیر از اینک که ترکها را در سال ۱۴۷۵ بیرون رانده است تبریک بگوید. بطوریکه از یادداشتهای اندکس سال ۱۴۷۷ برمیآید، یکی از سفرای اتین کبیر بیاناتی در مجلس سنای و نیز ایراد کرده و برای مقابله با ترکها تقاضای کمک و مساعدت نموده است.

در اینجا شرح فتوحات نظامی اتین کبیر را خاتمه میدهیم. این فتوحات بمنظور تضعیف موقعیت ترکها در والاکی بوده است. منطقه والاکی پس از پایان «صحنه تاریخی را دوی زیبا» بوسیله حکومت جدید شاهزاده «لائوتو باسارا» تحت استیلای ترکها قرار گرفت.

اتین کبیر متوجه شد که بعد از شکست او زون حسن ترکها ملداوی را محاصره خواهند کرد.

در نوامبر سال ۱۴۷۴ شاهزاده ملداوی در «وازلوی» به نبرد باقوای ترک شتافت. ترکها بایک لشکر مرکب از ۱۲۰۰۰۰ نفر فرارسیدند و در ۱۷ ژانویه ۱۴۷۵ نبرد سختی در بودول اینالت در گرفت و قوای ترکها مغلوب شدند. درباره این نبرد مشهور فقط اکتفا بنقل قول یکی از مورخین ترک به نام «سعادت دین» مینمائیم کتاب خطی این مورخ اکنون در کتابخانه ملی پاریس موجود است (۲۹) بنا بر روایت سعادت دین این نبرد شاهد قتل عام وحشتناکی بود کمتر کسی از لشکریان ترک توانست جان سالم بدر برد. این خبر بسرعت بوسیله مورخین آلمانی و ایتالیایی در سرتاسر جهان انتشار یافت. «اگنی بن» سفیر و نیز در دربار اوزون حسن و اتین کبیر در موقع مراجعت خود به ونیز که در فوریه سال ۱۴۷۵ اتفاق افتاد حکایت میکند که ۴۰۰۰۰ نفر از ترکان در این جنگ کشته شدند. اتین کبیر در چم ترکها را برای متفقین خود و «پاپ سیگست ۴» فرستاد و تقاضای کمک نمود، زیرا حتم داشت که قوای سلطان محمد مجدداً حمله خواهند کرد.

ترکها بانیروی دریائی عظیمی بطرف «کیلیاس» و «کاتانه آگیا» حمله کردند ولی نتوانستند آنجا را تصرف نمایند. در مقابل در نتیجه خیانتی که در داخل قلعه شد نتوانستند شهر «کافا» را تصرف و اشغال نمایند. خان تاتارهای کریمه که ایلچیان بنزد اتین کبیر فرستاده و تقاضای کمک و انعقاد یک عهدنامه اتحاد کرده بود ناگزیر از تسلیم به ترکها شد.

یکسال بعد یعنی در ۱۴۷۶ مجدداً ترکها ملداوی را محاصره کردند و این بار جنگ در ناحیه جنگلی «راز بوئینی» که ترکها آنرا «آغاج دنیزی» یعنی دریای جنگل مینامند در گرفت (۳۰).

اتین کبیر در ۲۶ ژوئیه سال ۱۴۷۶ در این جنگ شکست خورد ولی محمد دوم نتوانست از این پیروزی خود استفاده کند. زیرا لشکریانش مبتلای بجدام شدند و تلف گردیدند. از اوزون حسن نامه دیگری بتاریخ مارس ۱۴۷۶ در دست است که نشان میدهد وی خود را مجدداً آماده نبرد با ترکها مینماید. بدین جهت شاه مجارستان پس

از دریافت این خبر تشویق شد. و به تر کهای «سه ماندریا» حمله کرد (۳۱). با وجود اینکه تر کها مرتباً کشور های دیگری را محاصره و تصرف کرده و امپراطوری خود را توسعه میدادند، این کبیر تا پایان حیات خود شکست خورده و ضعیف باقی نماند ولی از اینکه شاهزادگان مسیحی تعهدات خود را محترم نشمردند و او را در مقابل تفوق و قدرت تر کها یکه و تنها گذاشتند ناراحت و دل شکسته بود. در نطقی که «یانانامبلاک» عموی «ماریا دومانکوپ» همسر این کبیر بعنوان سفیر شاهزاده ملداوی در سال ۱۴۷۶ در سنای و نیز ایراد کرد کاملاً احساسات این کبیر نشان داده شده است.

«تامبلاک» در این نقطه میگوید که «متفقین این کبیر پس از اینکه شاهزاده ملداوی را از کمک های خود مطمئن ساختند، او را ترک نموده و رها کردند.» (۳۲) چنین بنظر میرسد که اوزون حسن شاه تر کمن نیز قربانی بعضی از وعده و وعید های متفقین خود شده باشد. قدر مسلم اینست که این دو مبارز دلیر مدتها روابط نزدیک سیاسی و نظامی خود را در مقابل اشغالگران محمد دوم محفوظ نگاهداشتند.

پژوهشگاه علوم ماخذ طاعات فرهنگی

(۱) - مراجعه شود به «م. گویو غلو» - کتابهای خطی خاور زمین متعلق به مجموعه «کیپاریو» در کتابخانه فرهنگستان رومانی در کلوز. (در رساله زبان و ادبیات. جلد سوم ۱۹۵۷ صفحه ۱۵۳-۱۵۴).

(۲) - مراجعه شود بمقاله «م. آ. هالوی» تحت عنوان «جنگهای این کبیر و اوزون حسن علیه محمد دوم استودیو آکتا اریانتالیا. جلد اول- ۱۹۵۷ صفحه ۱۹۴ «زوشاخان» نامی است که «الی کاپسالی» اهل کورت در کتاب وقایع تر کیه در آغاز قرن ۱۵ باومیدهد.

(۳) - ایورگان. - تاریخ رومانیها. بخارست ۱۹۳۷ جلد چهارم صفحه ۹۶.

(۴) - مراجعه شود باثر «ژ. و. هامر» صفحه ۵۰۶. در باره ماریا مادر بزرگ

اوزون حسن تاریخ «میشل پانارتوس» که بوسیله «تالمرایر» منتشر گردیده میگوید که این بانو هم خون کمنس ها بوده است. همچنین مراجعه شود به دائرة المعارف اسلام - جلد چهارم صفحه ۱۱۲۵. مادر اوزون حسن که محمد دوم نیز او را «سارا - خاتون» یعنی مادر سارا «مینامد سیاستمدار مبرزى بوده و در مواقع مقتضى در اختلافات اوزون حسن مداخله مینموده است.

- (۵) - دائرة المعارف اسلام، جلد ۴، صفحه ۱۱۲۵.
- (۶) - دارو - تاریخ و نیز - جلد دوم صفحه ۴۵۷.
- (۷) - ژ. و. هامر. تاریخ امپراطوری عثمانی صفحه ۴۹۴.
- (۸) - ایدوم. صفحه ۴۸۹.
- (۹) - دائرة المعارف اسلام - جلد ۴، صفحه ۱۱۲۴.
- (۱۰) - ایدوم - ایدوم.
- (۱۱) - مراجعه شود به کلکسیون نامه هائی که بوسیله فریدون جمع آوری گردیده است. نامه شماره ۲۲۴.
- (۱۲) - مراجعه شود به «کوریو لانو کیمپیکو» - دل گره ده و نزیانی نل آزیا دال ۱۴۶۹-۱۴۷۴ اپود هامر، صفحه ۵۱۴ «کوریو لانو کیمپیکو» فرمانده یکی از کشتیهای جنگی نیروی دریائی بود که در سال ۱۴۷۲ بفرماندهی «پیتر و منسی گو» بکرانه های کارامان عزیمت کرد. نیروی دریائی مزبور ضمن گشت در سواحل آسیای صغیر قصد داشت اوزون حسن را وادار نماید که عملیات و اقدامات خود را فوراً شروع کند. (مراجعه شود به دائرة المعارف اسلام - جلد ۴، صفحه ۱۱۲۳).
- (۱۳) - و. میلر. طرابوزان امپراطوری سابق یونان. لندن ۱۹۲۶. دائرة المعارف اسلام جلد ۴ - صفحه ۱۱۲۳.
- (۱۴) - ن. ایورگا. کیلیا و ستانه آلبا - صفحه ۱۲۶-۱۲۷.
- (۱۵) - ن. ایورگا. قسمت سوم صفحه ۴۳ - ن. ایورگا. تاریخ رومانیها - جلد ۴ صفحه ۱۸۳.

- (۱۶) - همچنین مراجعه شود به گزارش «م.آ. هاوی» که تحت عنوان «نقش اسحق بیک طبیب و سفیر اوزون حسن در ملداوی و کشور های مجاور» در دهمین کنگره بین المللی تاریخ پزشکی در سال ۱۹۵۵ در مادرید معرفی گردید . .
- (۱۷) - م. هاوی: نقش اسحق بیک ۰۰۰۰ صفحه ۸۰ .
- (۱۸) - ن. ایورگا. تاریخ رومانیها - جلد ۴ صفحه ۲۰۲ - همچنین مراجعه شود به دلورگور تاریخ لهستان آزاد قرن ۱۴ - چاپ دوم صفحه ۵۸۳ .
- (۱۹) - مراجعه شود به صفحه ۱۱۲۴ جلد چهارم دائرة المعارف اسلام .
- (۲۰) - آکتا اکسترا. چاپ هشتم - صفحه ۲۸۰ . شماره ۱۷۴ . صفحه ۲۹۳ - ۲۹۴ - ن. ایورگا تاریخ رومانیها - جلد چهارم صفحه ۲۰۳ .
- (۲۱) - ژ. و. هامر، صفحه ۲۰۳ .
- (۲۲) - ن. ایورگا - تاریخ رومانیها . جلد چهارم صفحه ۱۹۷ .
- (۲۳) - مراجعه شود بجزئیات «دنسوجیانو» مدرک دو صفحه ۲۲۴-۲۲۵ شماره ۳ .
- (۲۴) - ن. ایورگا، جلد سوم صفحه ۸۸ «اگت و فراگمان از روی سالنامه های روما کتو .
- (۲۵) - ن. ایورگا . تاریخ رومانیها، صفحه ۲۱۰ جلد ۴ .
- (۲۶) - درباره سنه ۱۴۷۴ اختلاف عقیده موجود است بنظر میرسد که در نامه تاریخ ۱۴۵۸ قید شده باشد ولی این موضوع نمی تواند امکان داشته باشد م. هاوری در کتاب خود بنام نقش اسحق بیک ۰۰۰۰ آنرا ۱۴۷۴ دانسته و آن درسکو در ساله خود بنام «پالئوگرافی لاتین» بخارست ۱۹۳۸-۱۹۳۹ صفحه ۲۳۳-۲۳۵ نیز این تاریخ را تایید مینماید. در صورتیکه «پ. کانسل» آنرا ۱۴۷۲ میداند . (مراجعه شود بنامه فوری اوزون حسن به این کبیر و مأموریت اسحق بیک - بخارست ۱۹۱۲).
- (۲۷) - این نامه از روی نامه ای که در کتابخانه مارسین و نیز تحت عنوان «اپیستو لاپرنسیپیوم ایلوستریوم و پرو روم ادسیکستوم اینوسانتیوم ۱۸ الکساندروم ۶-جلد

اول - کد لاتین - کد شماره ۱۷۴ فول ۸ « موجود است در کتاب م - آ. هالوی تحت عنوان « نقش اسحق بیک » در صفحه ۱۰-۱۴ قید گردیده است .
 (۲۸) - هوز موزاکی - مدارک مربوط بتاریخ رومانیها جلد دوم سال ۱۴۵۱ -
 ۱۵۱۷ بخارست ۱۸۹۱ صفحه ۲۲۴-۲۲۵ که اصل آن در کتابخانه مارسین ونیز در
 «ایستولایر نسیمیوم» موجود است جلد اول لاتین س.ی. ایکس . شماره ۱۷۵
 فول ۷۰ .

(۲۹) - مراجعه شود به «اورو» اتین کبیر و تر کها - صفحه ۱۹۶-۱۹۷ .
 (۳۰) - مراجعه شود به آنگل «تاریخ ملداو» صفحه ۱۲۴. هامر - تاریخ امپراطوری
 عثمانی صفحه ۵۲۷ .

(۳۱) - ن. ایورگا . تاریخ رومانیها - جلد ۴ صفحه ۲۲۰ .

(۳۲) - ن. یبیدم صفحه ۲۲۸ .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی